



میزگرد
قانون و فرهنگ

دکتر داوری: در این میزگرد حضرات آقایان دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، دکتر سیدمصطفی محقق داماد، دکتر یوسف مولایی و دکتر کامبیز نوروزی شرکت دارند.

از تشریف‌فرمایی حضرات آقایان متشکرم. بحث ما درباره قانون و شرایط وضع و اجرای قانون است. به نظر می‌رسد که ما در این قضیه قدری مشکل داریم. هم در وضع قانون و هم در اجرای قانون، و باید این مشکلات را بشناسیم تا بتوانیم بر آنها فائق آییم. پیداست که ابتدا باید ببینیم ما از قانون چه فهمی داریم و از آن چه می‌خواهیم؛ یا اگر بخواهیم به زبان رسمی سخن بگوییم، لازم است بدانیم که قانون چیست و شرایط قانون خوب کدام است و چرا گاهی قانون اجرا نمی‌شود یا وسیله رسیدن به اغراض شخصی و گروهی می‌شود، و مخصوصاً اینکه آیا صرف وضع قانون می‌تواند همیشه و در همه جا کارساز باشد؟ از پرسش اول آغاز کنیم: قانون خوب چه قانونی است؟

دکتر محقق داماد: ابتدا باید بدانیم که تناسب این بحث که آقای دکتر داوری برای گفتگو انتخاب کردند با مجله نامه فرهنگ چیست؟ یکی از عوامل مهم فرهنگ‌سازی در کشور، مسئله قانون و قوانین کشوری است. قانون کشور می‌تواند نقش سازندگی فرهنگی داشته باشد. اما راجع به سؤالی که مطرح شد: روح آزادی‌خواهی و آزادمندی همواره یکی از ایده‌آل‌های بشر بوده است. انسان دلش می‌خواسته آزاد مطلق باشد و هیچ‌کسی آزادی او را محدود نکند و شاید موهبتی که تحت عنوان آزادی به بشر داده می‌شود موهبتی است که هیچ‌کس نمی‌تواند از او بگیرد. خداوند در ذات بشر آزادی‌خواهی را خلق کرده است.

از سوی دیگر در اجتماع و جامعه روحیه آزادی‌خواهی بشر به بی‌نظمی و هرج و مرج و گاه سلب آسایش بشر منتهی می‌شود، یعنی آزادی‌خواهی بشر موجب می‌شود که خودش آسایش خودش را به دست خود از بین ببرد. لذا بهترین اهرمی که حل مشکل می‌تواند بکند که جامع بین روحیه آزادی‌خواهی بشر و آزادی بشر و عدم اختلال باشد و هرج و مرج و بی‌نظمی اجتماعی را حل کند میزان قانون است. یعنی قانون چیزی است که در این میان شاخص و شاقول است که هم بشر آزادی‌هایش محدود به حدی باشد که بی‌نظمی ایجاد

نشود و از طرفی به‌طور کل دست‌بسته نباشد. در پاسخ سؤالی که فرمودید، به نظر من قانون خوب آنی است که کرامت بشری را حفظ کند و آزادی بشر را فقط تا آن حدی محدود کند که به آسایش اعضای جامعه خللی وارد می‌آید و نظم اجتماعی را بر هم می‌زند، و بیش از این بشر را محدود نکند؛ محدودیت در حد حفظ کرامت انسانی و آسایش دیگران. این معیار به نظر بنده می‌تواند معیار حُسن و برازندگی یک قانون باشد.

دکتر داوری: یعنی می‌فرمایید قانون حدود آزادی را معین می‌کند.

دکتر محقق داماد: و قانون خوب، قانونی است که بیش از آن محدود نکند.

دکتر داوری: می‌دانید که کانت گفته است آزادی متابعت از قانون است. آیا آنچه فرمودید با این سخن جمع می‌شود.

دکتر محقق داماد: بنده فکر می‌کنم بله. البته حرف کانت یک تحلیل فلسفی دارد که حضرتعالی خودتان بهتر می‌دانید و لازم به توضیح است که اگر قانون که نقش محدودکننده آزادی دارد فقط برای حفظ نظم و آرامش جامعه و کرامت بشری باشد و بیش از آن نباشد، این قانون یک قانون خوب و قانون برتر است. اما اگر بخواهد افراد را محدود بکند به انگیزه‌های خاص دیگری، مثل انگیزه‌های یک قدرت، وقتی که قدرت بخواهد برای اعمال قدرت خودش، بدون هیچ انگیزه دیگری، مدام افراد و شهروندان را محدود کند، این بدترین قانون است. حربه بسیار زشتی است که گاهی به قانون تعبیر می‌شود و چاقوی برنده‌ای است که درست خلاف هدف قانون است. حرف کانت به نظر می‌رسد که دارای چنین منظوری باشد. اگر شخصی در حدود قانون خود را محدود بکند نه بیش از آن، این شخص آزاد است. اما اگر بخواهد قانون را رعایت نکند، دیگر آزادی نیست؛ لجام‌گسیختگی است، نه آزادی.

دکتر ابراهیمی دینانی: درخصوص مطلبی که از کانت فرمودید، آزادی پیروی از قانون است، ولی خود قانون را باید توضیح بدهد. اگر قانون تکلیف است، آن تکلیف از کجا معین می‌شود؟

دکتر داوری: قانون تکلیف است و قاعده حقوقی هم یکی از صورت‌های قانون است، ولی در اصل او به قانون اخلاقی نظر دارد.